

یادداشتی چند از تاریخ پر افتخار سازمان کارگران

جعفر پیشه وری

من از سازمان‌های صنفی پیشه‌وران زحمت‌کش که از قدیم در شهرهای ایران وجود داشته است، نمی‌خواهم بحث کنم. این‌ها اگر چه در این اواخر اتحادیه‌های کارگری نامیده می‌شدند، ولی در حقیقت اتحادیه‌ی کارگری به معنای امروزی نبوده، جنبه‌ی حرفه و صنفی داشتند. استادان و شاگردان در آن با رای مساوی شرکت می‌کردند. حتا در اغلب مواقع، رهبری و ریاست آن‌ها با استادان و صاحب‌کاران بود.

هدف آن‌ها هم با هدف اتحادیه‌های کارگری توفیر داشت. اتحادیه‌ی کارگران برای حفظ حقوق طبقه‌ی رنجبر و مزدبگیر مبارزه می‌کند، اتحادیه‌های اصناف نظرشان حفظ منافع حرفه‌ی خود بوده که در نتیجه، منظور استادکاران به واسطه‌ی آن‌ها تامین می‌شد.

به طور تحقیق، اولین سازمان کارگری ایرانی، اتحادیه‌ی کارگران مطابع تهران است. این اتحادیه اثنای جنگ جهانی گذشته در تحت عنوان سندیکای کارگران مطابع تاسیس گردیده بود. کارگران چاپخانه هم موفق شده بودند اتحادیه‌ی خود را رسمیت بدهند.

کابینه‌ی وثوق الدوله برای تعیین حدود کارگر و کارفرما، نظام نامه‌ی مخصوصی نوشته و رسماً به دست آن‌ها داده بود. شاید اولین سندی است، که به واسطه‌ی آن، ساعت کار برای کارگر هشت ساعت تعیین گردیده است.

شدیدترین دوره‌ی نهضت کارگری، به عقیده‌ی من در سابق، سال ۱۲۹۰، بوده است. در این تاریخ بود که اتحادیه‌های کارگری در اطراف یک مرکز واحد گرد آمده، توانست در جامعه اظهار وجود بکند. اگر چه آمار دقیق در دست نیست، ولی به طور تقریبی می‌توان گفت که عده‌ی افرادی که دور اتحادیه‌ها گرد آمده بودند از هفت هزار نفر تجاوز می‌کرد. این در آن دوره نیروی شگرفی بشمار می‌رفت.

در راس شورای مرکزی، سید محمود دهگان مرحوم قرار گرفته بود. اتحادیه‌ی چاپخانه را که در واقع مهم‌ترین اتحادیه‌های آن زمان بود، سید مرتضی حجازی و سید محمد تنها (اسماعیلی) اداره می‌کردند. شکرالله نساج، رئیس اتحادیه‌ی بافندگان، استاد میرزا علی و استاد حسین بنا، روسای اتحادیه‌های بنایان و کارگران ساختمانی بودند. حسن آقا و کی مرام (حقیقت)، در راس اتحادیه‌ی کفشان قرار گرفته بودند. آقای ابولفضل لسانی و آقای فروزش از موسسین اتحادیه‌ی معلمین محسوب می‌شدند.

علاوه بر تهران، از اتحادیه‌ی کارگران بندر پهلوی باید نام برد که از روی تشکیلات صحیح برای انتخاب آقای محمد آخوندزاده در دوره‌ی چهارم (مجلس) شدیداً وارد نبرد سیاسی بوده است. اتحادیه‌ها در آغاز دیکتاتوری شاه سابق، از بزرگ‌ترین مخالفین او بشمار می‌رفتند. از اعتصابات آن دوره، من خاطرات بسیار شیرینی دارم که شاید در موقعش بتوانم بنویسم.

نقداً باید از اعتصاب کارگران نانوایان که چندین روز طول کشید و با موفقیت کارگران خاتمه یافت و دیگر، اعتصاب بزرگ معلمین که با نمایش عظیم به آخر رسید، اسم برده شود. مخصوصاً نمایش اخیر جالب توجه بود.

پس از سقوط سلسله‌ی قاجاریه و برچیده شدن اساس مشروطه و آزادی، اتحادیه‌های کارگری نیز تحت شدیدترین فشارها قرار گرفتند. عده‌ی زیادی را توقیف کردند.

بعضی از سران اتحادیه‌ها از ترس مرعوب شده، پای خود را کنار کشیدند. محمد آخوندزاده به خارج از ایران تبعید شد. بالاخره اتحادیه‌های کارگری مانند سازمان‌های اجتماعی آن دوره ظاهراً از بین رفتند. ولی در حقیقت، این یک عقب نشینی ممتد بیش نبود. مجاهدین راه آزادی کارگران، یک آن از وظیفه‌ی خود غفلت نکردند. مرحوم حجازی در آن

شدیدترین دوره‌ی دیکتاتوری از فعالیت باز نماند. ریاست اتحادیه‌ها را به عهده گرفت و سازمان‌ها را حتاالمقدور در حدودی که وضعیت اجازه می‌داد، نگذاشت از بین برود، تا سال شوم ۱۳۰۶ در رسید.

این جوان رشید که از مرز - که قلعه‌ی آهنین رضاخان بود - عبور کرده و در کنگره‌ی کارگران عالم شرکت جسته بود، در مراجعت از اروپا در بندر پهلوی گیر افتاد و زیر شکنجه و فشار شهربانی بدرود حیات گفت.

مطالبات و تقاضاهای اجتماع کارگران طهران از صاحبان مطبعه در سال ۱۳۲۸ قمری

اول: کارگران نباید در هیچ مطبعه بیش از ۹ ساعت کار کنند؛

دوم: اقل اجرت و مواجب کارگران مطبعه‌ها در هر ماهی کم‌تر از ۳ تومان نخواهد بود. کارگرانی که از ۳ الی ۵ تومان مواجب دارند، باید صدی پانزده بر حقوق آن‌ها افزوده شود. کارگرانی که از ۱۰ الی ۱۵ تومان مواجب دارند، صدی ده. کسانی که از ۱۵ الی ۲۰ دارند، صدی هشت. آن‌هایی که از ۲۰ الی ۲۵ تومان دارند، صدی پنج بر حقوق آن‌ها افزوده خواهد شد. حقوق و مواجب کارگران سر موعده باید پرداخت شود؛

سیم: کارگری که بدون تقصیر از کار و شغل خود خارج می‌شود، هر گاه شش ماه یا بیش‌تر در خدمت بوده است، صاحب مطبعه باید مواجب پانزده روز علاوه به آن کارگر بپردازد. هر گاه بیش از یک سال سر خدمت بوده باشد، باید مواجب یک ماه علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش از دو سال خدمت کرده باشد، باید مواجب یک ماه و نیم علاوه دریافت نماید. کارگری که بیش از ۳ سال خدمت کرده باشد، باید مواجب ۲ ماه دریافت نماید. و به این طریق بر هر یک سال خدمت، مواجب ۱۵ روز علاوه شود؛

چهارم: صاحب مطبعه در صورتی کارگری را می‌تواند بدون تقصیر از شغل خود خارج نماید، که اقلاً ۱۵ روز قبل به کارگر اطلاع داده باشد. در صورت فروش مطبعه، کارگران به ترتیب سابق در سر شغل خود باقی خواهند ماند. فروشنده‌ی مطبعه باید مواجب علاوه‌ی کارگران را مطابق سنواتی که کارگران خدمت کرده‌اند، بپردازد؛

پنجم: سلوک و رفتار مدیرها و روسای مطبعه‌ها با کارگران باید به هیچ وجه از نزاکت و ادب خارج نباشد؛

ششم: هر گاه مطبعه شب کاری مداومی داشته باشد، صاحب مطبعه باید یک دسته کارگر جدید - ی - برای شب کاری اجیر نماید. حقوق و اجرت کارگرانی که شب کاری می‌نمایند، باید از حقوق معمولی خود یک و نیم علاوه دریافت دارند. کارگرانی که مشغول شب کاری فوق‌العاده می‌شوند، غیر از حقوق روزانه‌ی خود باید یک و نیم علاوه دریافت نمایند و به نوبت شب کاری کنند؛

هفتم: غیر از اعیاد عمومی، هفته - ای - یک روز تعطیل و آسایش اجباری مخصوص هر ملت است؛

هشتم: در صورتی که کارگری ناخوش شود، باید حقوق یک ماهه به او داده شود. وقتی که کارگر ناخوش معالجه می‌شود، مجدداً بر سر شغل خود باقی بماند؛

نهم: هر مطبعه باید دارای طبیب مخصوص خود بوده باشد؛

دهم: در صورتی که کارگری در موقع کار مجروح یا معیوب شود، تا مدتی که معالجه شود، باید حقوق خود را دریافت دارد (بیش‌تر از ۳ ماه نخواهد رسید)؛

یازدهم: در صورتی که عضوی از اعضای کارگری در موقع کار معیوب شود، به تصدیق اطبا، میزان خسارت وارد شده، حق‌الخساره، به او داده خواهد شد. میزان و مبلغ خسارتی که به کارگر داده می‌شود، از طرف صاحب مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران تعیین خواهد شد؛

دوازدهم: در صورت فوت کارگر در موقع کار باید مبلغی برای - امرار - معاش عیال و اطفال متوفی، به تصدیق و تصویب اطبا و نمایندگان کارگران و صاحب مطبعه تعیین کرده، پرداخته شود.

سیزدهم: هر یک مطبوعه باید دارای یک رئیس بوده باشد؛

چهاردهم: با رضایت و تصویب صاحبان مطبوعه و نمایندگان اجتماع کارگران، نظام نامه برای کلیه مطبوعه ها وضع خواهد شد؛ (به نقل از: «اتفاق کارگران»، اولین روزنامه‌ی کارگری ایران شماره ۱، جمادی الثانی ۱۳۲۸)

* * *

بعد از آن، کارگرانی که با جان خود بازی می‌کردند، علی شوقی را روی کار آوردند. سید محمد تنها در اصفهان کار می‌کرد و بنای اتحادیه‌ی پر افتخار آن جا را می‌گذاشت. نهایت این قهرمانان نیز گیر افتادند و اتحادیه‌ها برای مدت مدیدی تعطیل گردید. بعد از شهریور را البته اشخاصی که مستقیماً در اتحادیه‌ها دخالت دارند، خواهند نوشت. یکی از اسناد پر افتخار اتحادیه‌ی کارگری، ارگان رسمی آن است که یک سال تمام با ارتجاع مبارزه نمود. این روزنامه‌ی «حقیقت» است که در زمان خود مشهورترین و مبارزترین و کثیرالانتشارترین روزنامه‌ها بوده است. برای یادآوری یک بار دیگر اسامی اشخاصی را که می‌شناسم و در راه مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر جان دادند، تکرار می‌کنم.

۱- سید مرتضی حجازی، اهل تهران. از طفولیت وارد چاپخانه شده، ۱۵ سال از عمر خود را در اتحادیه‌های کارگری صرف کرده و بالاخره در زندان شهربانی قربانی شده است. مزارش معلوم نیست، ولی خاطره‌ی او در قلب کارگران همیشه باقی خواهد ماند.

۲- علی شرقی، اهل گرمورد. از مجاهدین ستارخان بود. بعد به جریان کارگری ملحق گردید. خود، کارگر حمل و نقل و ساختمان بود. در کنگره‌ی جهانی کارگران شرکت کرد. در سال ۱۳۰۹ توقیف شد و پس از شش سال حبس بلا تکلیف در قصر قصر، ظاهراً به مرض سکت قلبی، فوت کرد.

۳- سید محمد اسماعیلی (تنها)، اهل تهران. از کودکی در چاپخانه وارد کار شد. در ۱۷ سالگی عضو اتحادیه بود. بعد برای تشکیل اتحادیه‌ی کارگران کارخانه‌های جنوب به اصفهان و خوزستان رفت. در خوزستان گرفتار شد و پس از هفت سال حبس در زندان قصر، ظاهراً به مرض روحی، درگذشت.

۴- محمد انزابی، اهل اردبیل. حروف چین و معلم بود. پس از چهار سال حبس بلا تکلیف، ظاهراً به مرض آپاندیست، فوت نمود.

۵- آقای پوررحمتی، از ملوانان بندر پهلوی بود. پس از مدت مدیدی حبس کشیدن، با حال رقت آوری در زندان قصر درگذشت.

بالاخره عمده‌ی زیادی از مبارزین و کارگران و اعضای اتحادیه‌ها در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها از بین رفتند، تا پایه‌ی اتحادیه‌های امروزی ایران گذاشته شد. من از کارگرانی که امروز در اطراف این تشکیلات گرد آمده‌اند، تمنا دارم فراموش نکنند که این سازمان محصول قربانی‌ها و از جان گذشتگی‌های بسیاری است و آن را باید حفظ کرد. هر آن و هر دقیقه پرچم آن را بالاتر ببرند و راهی را که با اشک و خون نوشته شده است، گم نکنند. پیروزی قطعی طبقه‌ی کارگر و زحمت کش هدف نهایی ما است.

* * *

برگرفته از: «کتاب جمعه»، شماره‌ی ۳۴، ۱۸ اردیبهشت ۵۹،